



کوارتت فرانسوی

درباره‌ی یورسنار، بوتور، والری و ژنه

گردآوری و ترجمه‌ی رضا رضایی

گردآورنده و مترجم	رضا رضایی
طراح جلد و صفحات استقبال	حسن کریمزاده
	(بر اساس طرحی از وایرت سوس)
پالایش تصاویر	حسین کریمزاده
تولید فنی و چینش تصاویر	انوشه صادقی آزاد
ناظر چاپ	علی سجودی
نوبت چاپ	اول، پاییز ۱۴۰۴
تیراژ	۶۰۰ نسخه
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۹۳۷۶۹-۳-۵

تمام حقوق این اثر متعلق به نشر فنجان است و هرگونه استفاده از عناصر صوری و محتوایی آن، کلاً و جزئاً، به هر زبانی و به هر شکلی بدون اجازه‌ی کتبی ناشر ممنوع است و خاطی برای جبران خسارت تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.



تلفن ۰۹۱۹۸۰۰۱۰۰۰۵
www.fenjanbooks.ir ■ fenjanbooks@gmail.com

فهرست

پیش‌گفتار مترجم یازده

۱ مارگریت یورسنار (نوشته‌ی آن مری بگلی) ۱

۲ میشل بوتور (نوشته‌ی لئون سمیوئل رودیز) ۶۱

۳ پل والری (نوشته‌ی استیون وینسپر) ۱۳۱

۴ ژان ژنه (نوشته‌ی آستین ادمند کوئیگلی) ۱۷۹

نام‌نامه ۲۴۵

پیش‌گفتار مترجم

من این چهار مطلب را در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ ترجمه کردم. دوست و همکار گرانقدرم، خشایار دیهیمی، پروژه‌ای را با نشر ماهی شروع کرده بود به نام «نویسندگان قرن بیستم فرانسه» که قرار بود معرفی و شرح آثار حدود چهل چهره‌ی ادبی فرانسه‌ی قرن بیستم را در بر بگیرد و با مجموعه عناوینی درباره‌ی نویسندگان فرانسوی قرن‌های نوزدهم و هجدهم و شانزدهم ادامه پیدا کند. به دلایلی این پروژه تداوم نیافت اما تا سال ۱۳۸۴ سی و چند عنوان از این مجموعه ترجمه و منتشر شد.

بخت یارم بود که ترجمه‌ی چهار عنوان از این مجموعه سهم من شد. ژان ژنه و پل والرئ و مارگریت یورسنار را در سال ۱۳۸۲ و میشل بوتور را در سال ۱۳۸۳ ترجمه کردم. دوتای اول در همان سال ۱۳۸۲ منتشر شدند و دوتای دیگر در سال ۱۳۸۳. ویرایش کار به عهده‌ی خشایار دیهیمی بود اما در میشل بوتور از مشاوره‌ی هومن پناهنده نیز بهره بردم. از کل مجموعه (بیش از سی عنوان) استقبال خوبی شد و کتاب‌ها نایاب شدند.

اکنون که بیش از بیست سال از آن برهه گذشته است، با تشویق دوستانم در نشر فنجان اجازه‌ی انتشار این چهار عنوان را از نشر ماهی گرفتیم تا در قالب یک کتاب واحد به دوستداران ادبیات تقدیم کنیم. البته با کمک روزبه افتخاری

ترجمه‌ام را بازمینی و حک و اصلاح کرده‌ام. نام‌نامه‌ای هم در انتهای کتاب آورده‌ایم که خوانندگان اطلاعات مفیدی در آن خواهند یافت. منبع این مطالب مجموعه‌ی چندجلدی نویسندگان اروپا از انتشارات اسکرینرز^۱ است که در سال‌های دهه‌ی ۱۹۸۰ در آمریکا منتشر شده و کارشناسان معتبری در آن قلم زده‌اند. چهار مؤلف عناوین مارگریت یورسنار، میشل بوتور، پل والری و ژان ژنه به ترتیب عبارت‌اند از:

آن مری بگلی^۲ (۱۹۴۹-۲۰۲۳) استاد ادبیات و منتقد ادبی و نویسنده‌ی آثاری درباره‌ی مارگریت یورسنار و سیمون وی و گراهام گرین.

لئون سمیوئل رودیز^۳ (۱۹۱۷-۲۰۰۴) زبان‌شناس و پژوهشگر ادبیات و استاد ادبیات فرانسه در دانشگاه کلمبیا و نویسنده‌ی آثاری درباره‌ی ادبیات فرانسه. استیون وینسپر^۴ (۱۹۵۵-۲۰۱۵) استاد ادبیات فرانسه در چند دانشگاه معتبر آمریکا و نویسنده‌ی کتاب‌ها و مقاله‌هایی درباره‌ی شعر فرانسه.

آستین ادمند کوئیگلی^۵ (۱۹۴۲-) استاد ادبیات نمایشی در دانشگاه کلمبیا و همکار بسیاری از نشریه‌های ادبی و تئاتری و نویسنده‌ی کتاب‌هایی در حوزه‌ی تئاتر.

با توجه به نقش مهمی که این چهار نویسنده در حیات ادبی و فرهنگی فرانسه‌ی قرن بیستم بازی کرده‌اند، عنوان کوارتت فرانسوی را برای کتاب انتخاب کرده‌ایم، به خصوص که هر چهار چهره بر نقش موسیقی در آفرینش ادبی خود تأکید داشته‌اند.

مارگریت یورسنار (۱۹۰۳-۱۹۸۷) رمان‌نویس، نمایش‌نامه‌نویس، جستارنویس و شاعر بود و اولین زنی که به عضویت آکادمی فرانسه درآمد (۱۹۸۰). او تأثیر شگرفی بر ادبیات فرانسه و جهان گذاشت.

میشل بوتور (۱۹۲۶-۲۰۱۶) شاعر، نویسنده و منتقد ادبی بود که تأثیر چشمگیری بر جریان «رمان نو» گذاشت و کلاً تیشه به ریشه‌ی هر ژانری می‌زد.

۱

مارگريت يورسنار



از نیمه‌ی اول قرن هفدهم، که کاردینال ریشلیو آکادمی فرانسه را تأسیس کرد، تا مارس ۱۹۸۰ هیچ زنی به جمع چهل نفره‌ی «جاودانگان» راه نیافته بود، تا این‌که از مارگریت یورسنار (کریانکور) دعوت شد به این جمع ممتاز ملحق بشود. این رویداد بی‌سابقه‌ی تاریخی که به صورت گسترده‌ای در مطبوعات جهان انعکاس یافت با جرو بحث‌های نسبتاً قابل توجهی همراه شد و انتصاب یورسنار به مباحثه‌های دورودراز و گزنده‌ای دامن زد. این جارو جنجال چند علت داشت.

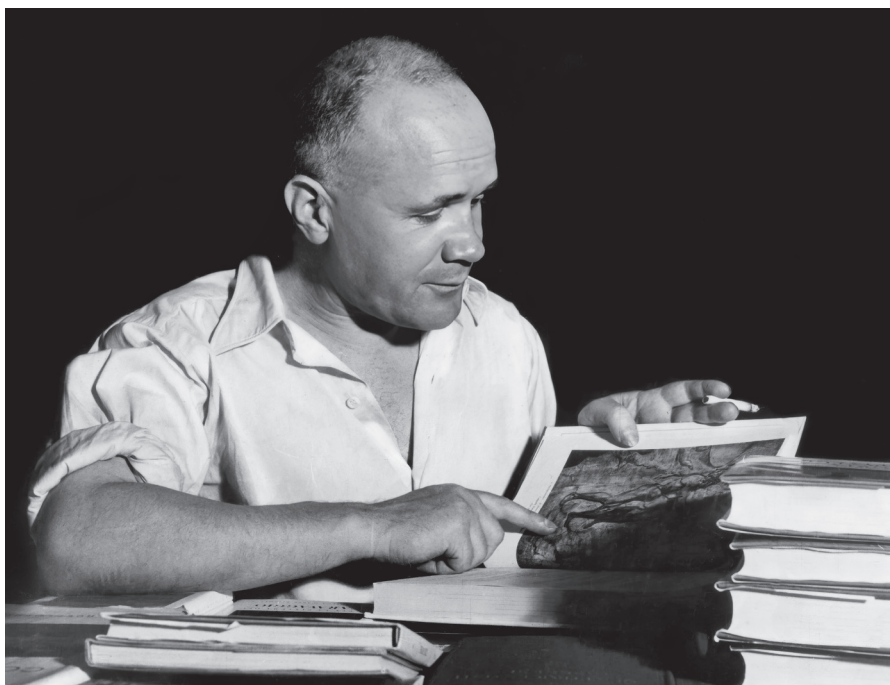
علت اول این بود که یورسنار زن بود. افراد برجسته‌ای مانند والری ژیسکار دِستن، رئیس‌جمهور فرانسه، و ادگار فوره، سیاستمدار معروف، سعی فراوان کردند تا بعضی از آکادمیسین‌ها را متقاعد کنند که امتناع از قبول عضویت بر مبنای جنسیت، آن‌هم در ربع آخر قرن بیستم، نگرشی روشن‌اندیشانه نیست. یورسنار در سخنرانی قبول عضویتش در آکادمی با ظرافت به اعضای آکادمی یادآور شد که این رسم آن‌ها شوونیستی است (ولو رایج) که زنان را پشت تربیون قرار می‌دهند اما به آن‌ها جایی برای نشستن تعارف نمی‌کنند، که این اشاره‌ای بود به چهل کرسی آکادمی.

علت بعدی مسئله‌ی ملیت یورسنار بود. یورسنار که در ۱۹۴۷ تبعه‌ی امریکا شده بود به‌اجبار از تابعیت فرانسوی چشم‌پوشی کرده بود. بدیهی است که این مسئله تنش‌هایی در پی داشت که نمونه‌اش حذف گستاخانه‌ی همین موضوع از گاه‌شمار زندگی او در مجموعه‌ی آثار داستانی‌اش بود که در پلئید، مجموعه‌ی وزین ادبی در انتشارات گالیمار، چاپ شده بود. البته محل تولدش، به قول خودش، «تصادفاً» بروکسل بوده، اما او در فرانسه و زیر دست پدرش که فرانسوی بود بزرگ شده بود و صرفاً به زبان فرانسه که زبان مادری‌اش بود می‌خواند و می‌نوشت. با این حال، نخستین آکادمیسین زن فرانسه بیش از چهار دهه بود که در ایالات متحده می‌زیست. به این ترتیب، تعجبی ندارد که بعضی از آکادمیسین‌ها او را خارجی تلقی می‌کردند. با وجود این، یورسنار که زیاد به اطراف و اکناف جهان سفر می‌کرد طی سال‌ها بارها به فرانسه رفته بود. او خودش را نه فرانسوی می‌دانست و نه امریکایی؛ برعکس، طرفدار نوعی خویشاوندی با کل بشر بود: «من وطن‌های متعدد دارم، به طوری که به تعبیری شاید به هیچ‌کدام تعلق نداشته باشم» (با چشم‌های باز). البته مسئله‌ی ملیت یورسنار به‌سادگی برای آکادمی حل و فصل شد زیرا در سال ۱۹۷۹ رسماً تقاضای اعاده‌ی تابعیت کرد و تابعیت دوگانه گرفت.

یورسنار مشکلات دیگری هم داشت. هم خودش داوطلب عضویت در آکادمی نشده بود و هم در صدد جلب آراء اعضای وقت بر نیامده بود تا از بابت انتخاب خود مطمئن بشود، حال آن‌که تشریفات چنین اقتضا می‌کرد. (البته یورسنار اولین نفری نبود که این تشریفات را نادیده می‌گرفت. آنری دو مونترلان نیز این رسم را در ۱۹۶۰ شکسته بود.) به جای او، ژان دورمسون، نویسنده و ویراستار سابق روزنامه‌ی محافظه‌کار فیگارو، بعد از جلب موافقت و کسب اجازه‌ی یورسنار، او را نامزد عضویت در آکادمی کرد و

۴

ژان ژنه



ژان ژنه در نوزدهم دسامبر ۱۹۱۰ در پاریس به دنیا آمد. محصول کار ادبی اش تعداد زیادی شعر، چهار رمان و پنج نمایش نامه بود. همه اتفاق نظر دارند که او بیشتر به خاطر نمایش نامه هایش در یادها زنده مانده است، گرچه این نمایش نامه ها اغلب عجیب و غریب، گاهی گستاخانه و همیشه نسبتاً بغرنج اند. از این رو، وسوسه می شویم که همان نگرشی را اتخاذ کنیم که معمولاً نسبت به نوشته های معماگونه اتخاذ می کنند، یعنی برای کمک به تشریح کار نویسنده به سراغ زندگی و موقعیت تاریخی اش برویم. این وسوسه در مورد ژنه قوی تر است چون، چه بخواهیم و چه نخواهیم، زندگی نامه ی مفصل خودش را در اختیار ما گذاشته است (که در سال ۱۹۴۹ با عنوان کنجکاوی برانگیز خاطرات دزد منتشر شد). اما چنین نگرشی بی مشکل نیست. یک مشکل مهم این است که ژنه در زندگی نامه اش طوری با رویدادهای زندگی برخورد می کند که انگار دارد رمان می نویسد و نه سرگذشت. روایتش از گذشته صرفاً یادآوری یک سلسله وقایع نیست بلکه داستانی خیالی هم هست.

در نگاه اول شاید این سؤال مطرح شود که آیا ژنه حق دارد حقایق زندگی اش را تحریف کند؟ اما برای ژنه این نوع بازنویسی داستان گونه ی

نام‌نامه

این بخش فهرست الفبایی نام‌هایی است که در متن کتاب آمده است
(اعم از اشخاص، آثار، مکان‌ها و غیره). ضبط اصلی نام‌ها و شماره‌ی صفحه‌ی
آن‌ها را با معرفی مختصری در برابر ضبط فارسی می‌بینید.

۳۶ منظره از کوه فوجی: اثر کاتسوشیکا هوکوسایی	36 Views of Mount Fuji
۱۲۵	
۶,۸۱۰,۰۰۰ لیتر آب در ثانیه: اثر میشل بوتور	6,810,000 litres d'eau
۱۰۱	par seconde
آئوگوستینوس (۳۵۴-۴۳۰): متأله رومی ۴۲	Augustinus
آئولیس: مکان در یونان باستان ۳۶	Aulis
آبشالوم، آبشالوم! اثر ویلیام فاکنر ۸۵	Absalom, Absalom!
آپولو(ن): خدای موسیقی و هنر در اساطیر یونانی	Apollo
۱۶۱، ۴۴	
آپولینر، گیوم (۱۸۸۰-۱۹۱۸): شاعر فرانسوی	Apollinaire, Guillaume
۱۰۴، ۴۵	
آتالا: اثر فرانسوئا شاتوبریان ۱۰۴	Atala
آتن: پایتخت یونان ۴۲	Athens
آتیکا: منطقه در یونان ۴۱، ۲۶	Attika
آتیکته: شخصیت در کتاب روح و رقص ۱۷۵	Athikte
۱۷۶	
آثار رمانسک: اثر مارگریت یورسنار ۱۸	Oeuvres romanesques